

E-ISSN: 2709-9369

P-ISSN: 2709-9350

www.multisubjectjournal.com

IJMT 2021; 3(1): 90-99

Received: 14-11-2020

Accepted: 16-12-2020

سید محمد جلالی
پوهاند ، د شرعیاتو
قانون د پنجشیر د لورو
زده کړو انستیتیوت ،
افغانستان

تعصب و تاثیرات ناگوار آن برملت افغانستان در روشنایی سنت

سید محمد جلالی

چکیده

تعصب یک عمل مذموم و ناپسندی است، که از آغاز خلقت انسانها موجود بوده، به اثر آن مخلوقات به چالش روبرو شده اند. این عمل نامشروع را الله جل جلاله توسط پیامبران گرامی اش منع قرار داده، بالخصوص وقتیکه پیامبر آخرالزمان (حضرت محمد صلی الله علیه وسلم) به حیث رسول از طرف الله جل جلاله مبعوث شد، اونیز به نوبه خود در تقبیح این عمل اقدام جدی نمود، آیات قرآنی واحادیث گهربار نبوی علیه السلام شاهد تقبیح این عمل میباشد، انسانهارابه وحدت، یک پارچگی، خودگذری، برادری، انسانیت دعوت داد. اما انسانها بنا بر میل نفس خود به این عمل ناپسند اقدام مکرر می نمایند تا خود را و دیگران را به چالش روبرو میسازند علی الخصوص در افغانستان عزیز ما که در هر لحظه شاهد جنگ و برادر کشی هستیم که از تعصب سرچشمه گرفته اگر ماملت افغانستان به طور کامل به اضرار تعصب آگاهی داشته باشیم خوب تر خود را و جامعه را از اضرار دنیوی و اخروی وی حفظ خواهیم کرد. اکنون در این مقاله به نوبه خود خواستم انسانهارا عموماً و مسلمانهارا بالخصوص از این عمل شنیع مجدداً آگاه ساخته باشیم، تا اینک از همجواری اعمال ناشایسته جلوگیری صورت گیرد

اصطلاحات کلیدی: معرفی تعصب، تعصب مذموم، حکم تعصب، اسباب تعصب، تاثیرات تعصب

مقدمه

پیامبر اسلام در سطح جهان وجهانیان بوده. ویکی از ویژگی های آن جهانی بودن آن است. که احکام، اصول و قوانین شریعت اسلامی، رنگ و بوی انسانی و جهانی داشته و «رحمه للعالمین» است. که برای هدایت همه بشریت آمده است.

پیامبر اسلام برای گروه خاصی از مردم و یا برای منطقه معینی از سرزمین نیست بلکه برای نوع انسان از لحاظ اینکه انسان است - اعم از اینکه سیاه باشد یا سفید، عرب باشد یا عجم، شرقی باشد یا غربی. این ویژگی (جهانی بودن) اسلام در آیات متعدد قرآن کریم چنین بازتاب یافته است:

(وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) . (قرآن کریم: انبیاء، 107)

(ای پیغمبر!) ما تو را جز بعنوان رحمت جهانیان نفرستاده ایم .
(قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا) (قرآن کریم: اعراف، 158) بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم. به سوی همه شما اعم از عرب و عجم، اهل کتاب و غیره فرستاده شده ام، قرآن بخاطر تحقق این هدف، مسلمانان را از اختلاف، تفرقه و عوامل آن باشدت بر حذر داشته میفرماید: (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (قرآن کریم: آل عمران، 105)

و مانند کسانی نشوید که (با ترک امر به معروف و نهی از منکر) پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن (پروردگارشان) به آنان رسید ، و ایشان را عذاب بزرگی است .

دین اسلام یک دین شامل و کامل میباشد و قائم به مجتمع و کامیاب بر نعمت امن و استقرار است .

به آمدن اسلام تاریخ پر ماجرای بشریت رونق خورد و بشر فرو رفته در کام خود پرستی و قبیلله گرایی یک بار دیگر جایگاه خود را در بین هم نوعانش دریافت و زمینه زیستن برای یک انسان واقعی مساعد گردید .

چونکه انسان یک موجود مدنی طبع است یعنی زنده گی انسان در اجتماع و مدینه از جمله لوازم و ضروریات انسان محسوب میگردد. این مدنی

Corresponding Author:

سید محمد جلالی
پوهاند ، د شرعیاتو
قانون د پنجشیر د لورو
زده کړو انستیتیوت ،
افغانستان

بودن محتاج تعاون و همکاری بین تمام اعضای جامعه بشری است. زیرا هیچ فردی به تنهایی نمی تواند مدنیتی را ایجاد کند. از این جهت همه انسانها تلاش میکنند تا جوامع بسازند و در قانون آن زنده گی کنند. رفتن به مدنیت و پیشرفت را خداوند متعال در طبیعت بشر به ودیعت گذاشته است زیرا همواره انسان از رکود و کهنگی فرار می کند و با استعداد الهی و تلاش فکری می کوشد، تا طرحی را ایجاد کند که هم به پیشرفت جامعه کمک کند و هم به منافع خود نائل گردد.

چون موضوع مقاله بنده راجع به به تعصب و تاثیر منفی آن بر ملت افغانستان در روشنائی سنت است، لهادسعی بعمل آوردیم تا که به توفیق الهی حق موضوع راحتی الوسع ادا کرده باشیم. تعصب یک عمل نا مطلوب است که دین مبین اسلام آنرا حرام قرار داده اسلام مومنین را به اخوت و برادری و خود گذری و به یک پارچه گی دعوت نموده چنانچه الله جل جلاله فرموده

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) قرآن کریم: حجرات، آیه: 10 ترجمه: فقط مؤمنان برادران همدیگرند.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه فرموده که در یکی از غزوات (غزوه بنی المصطلق) دو صحابه

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) قرآن کریم: حجرات، آیه: 10 ترجمه: فقط مؤمنان برادران همدیگرند.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه فرموده که در یکی از غزوات (غزوه بنی المصطلق) دو صحابه

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ) قرآن کریم: حجرات، آیه: 10 ترجمه: فقط مؤمنان برادران همدیگرند.

جابر بن عبدالله رضی الله عنه فرموده که در یکی از غزوات (غزوه بنی المصطلق) دو صحابه با هم جنگ و جدال کردند که یک کس از قوم مهاجر و شخصی دیگر از انصار بود و هر یک از آن دو قومهای خود را برای کمک خود خواستند رسول (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (دعوا فیئنها منتنة) (بخاری، 1422ه ق ج 4 ص 1863 ح: 4624).

آواز جاهلیت را ترک نمائید زیرا آنکه وی بد بوه است. و همین تعصبات نژادی، مذهبی، قومی دامن گیر مردم افغانستان شده که به طور دوام دار جنگ و برادر کشی در این سر زمین جریان دارد، در حالیکه 99% مردم این سر زمین مسلمان اند یک قوم بر علیه قوم دیگر میجنگند و هر یک میدانند که جانب مقابل شان نیز مسلمان است، لیکن تعصب نژادی و سیاسی آنها را برانگیخته ساخته تا اینکه بر علیه یک دیگر بجنگند. و نیز تعصبات سیاسی در این سر زمین ادامه دارد که یک گروه خود را بر حق می پندارند و جانب مقابل را باطل در حالیکه هر دوی آنها مسلمان اند.

به هر صورت شاید برتری ها و نقاط ایجابی یک تنظیم و گروه نسبت به دیگر بارز تر و واضح تر باشد لیکن هدف از این برتری لعن و طعن بر دیگران نیست. لهادا ذموافیکه حذف شریعت اسلامی باشد جلو گیری و پرهیز حتمی است.

د: پیشینه تحقیق :

مفسرین، محدثین، محققین در مورد تعصب و حکم آن و تقسیم آن پیش قدم هستند. در زمینه کتابها و آثار گران بهایی را به رشته تحریر در آورده اند، که در شرایط کنونی نظیر آنها دیده نمی شود بلکه تمام رساله ها و آثار که در شرایط فعلی در این مورد به رشته تحریر در آمده اند، همه بصورت عموم ممنون احسان آنها می باشند.

این تحقیقات و آثار با وجود اینکه در مسیر تاریخ تاثیرات به سزای داشته، اما به علت کثرت تعصبات و بخصوص در وطن عزیز ما که دامن گیر عام و خاص گردیده بسنده و کافی نبوده، از این رو قلم بدست گرفتار بخاطر رفع نیازمندی های جامعه در هر مقطع از زمان قلم بدست گرفته، گره کشای مشکلات جامعه گردیدند، ولی نگارشها خالی از یک سلسله مشکلات نبوده است، زیرا که مولفین غیر افغانی مسلما به زبانهای محلی خویش نگاشته اند و یا بزبان عربی، این جوابگوی مشکلات جامعه افغانی نمی باشد.

بناء مقاله ئیکه به رشته تحریر در آورده ام به زبان دری و شامل دو بخش می باشد بخش اول در مورد تعصب و حکم آن و بخش دوم آن در مورد تاثیرات منفی آن، بنا کوشش نموده ام که همه مردم بالخصوص مردم افغانستان از تاثیرات ناگوار این عمل شنیع با خبر شوند تا خود را و جامعه رانجات دهند.

معنی لغوی و اصطلاحی تعصب:

1: تعریف لغوی تعصب :

تعصب "و" عصبیت "در اصل از ماده "عصب" به معنی رگها و پیهایی است که مفاصل را به هم ارتباط میدهد، سپس هرگونه ارتباط و به هم پیوستگی را تعصب و عصبیت نامیده اند، اما معمولا این لفظ در مفهوم افراطی و مذموم آن به کار میرود. و عصبی عبارت از کسی است که قومش را به ظلم معاونت می نماید. (لسان العرب، 1414ه ق ج: 1 ص: 602).

العصبية: اسم از برای جماعه از مردم است که تعدادشان از 10 الی 40 اشخاص برسند. (القاموس الفقهی، 1408ه ق، ج: 1 ص: 252)
چنانچه الله جل جلاله فرموده: (قَالُوا لَئِن أَكَلْنَا الدُّنْيَ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ) (قرآن کریم: یوسف، 14).

ترجمه :

گفتند: اگر گرسنگی او را بخورد، در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم (و از او محافظت می کنیم) در این صورت ما زیانمندان بیش نخواهیم بود (و جز ننگ و عار بهره ای نخواهیم داشت).

عصیب: شدت و سختی را گویند، چنانچه الله جل جلاله فرموده: (وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ) (قرآن کریم: هود، 77)

. ترجمه: گفت لوط علیه السلام این روز سخت است.

و نیز عربها در محاوره و گفت و گوی خود می گویند: "لحم عصب" بمعنی گوشت سخت است، عصبه: اقارب پدر را گویند: چنانچه عربها میگویند "عصبه الرجل" خانواده، و اهل قرابت پدری وی.

2: تعریف اصطلاحی تعصب:

بعد از معرفت به معنی لغوی تعصب الآن بتعریف اصطلاحی تعصب می پردازیم :

1: عصبیت و تعصب واژه عربی است به معنای طرفداری کردن از کسی یا قومی و جانب‌داری کورکورانه (فرهنگ معاصر عربی، 1382 هـ ش، ج: 1 ص: 291)

2: سلوک و رفتار، بررورش نیاکان است اگرچه (آن رفتار) ناحق باشد، و ترک مخالفت روش نیاکان است ولو که (آن روش مخالف نیاکان) حق باشد. (عقیده التوحید و بیان ما یضادها من الشریک الأكبر والأصغر، ج 1 ص 11)

3: تعصب عدم قبول حق است با وجود ظهور دلیل آن. (کشاف 1407 هـ ق، بیروت ج 1 ص 320) و تعصب به انواع و اقسام مختلف در یک جامعه و قوم نظر به شرایط محیطی و پدیده های اجتماعی بروز میکند.

بطور مثال احساس منفی یک گروه و کتله خاص در مقابل گروه دیگری که از نگاه مذهب، زبان کلتور، عقیده عنعنات متفاوت باشد حتی داشتن یک موقف خاص اجتماعی نیز احساسات گروه متخاصم را برانگیخته در صداز بین بردن این تفاوت ها میشود ولو که منجر به اقدام ناسالم شود، مانند جنگ، قتل، تبعید و تاراج و عموماً تبعیض از جانب گروه قوی به گروه ضعیف تحمیل میشود.

حسادت و یا تنگ نظری از قدیم ایام در بین جامعه بشری موجود بوده اما وقتیکه نبی علیه السلام به پیغمبری مبعوث شد این چنین اعمال را حرام قرار داد حدیث در این مورد چنین است:

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَبَاغُضُوا، وَلَا تَحْسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَقَاطَعُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَجُلُ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ» (صحیح البخاری 1422 هـ ق، ج: 15 ص: 277 ح: 6066.)

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: با همدیگر دشمنی و حسد و قطع رابطه ننموده و پشت نکنید. و ای بندگان خدا با هم برادر باشید و برای هیچ مسلمانی روا نیست که بیش از سه روز برادرش را ترک کند. اما بدبختانه: انسان های بدوی نیز بقای حیات خویش را روی احتیاجات اولیه زندگی که تهیه مسکن و غذا بود به گروه متخاصم حمله و توسط قتل و غارت یکدیگر را از بین میبردند، ولی با انکشاف تدریجی جامعه انسانی البته اهداف تبعیضی تغیر شکل داد و هنوز تعصب و احساس منفی به نوع از انواع بحال خود باقی مانده است، و تا امروز از آن در جهان استفاده میشود که مثال آنرا میتوان جنایت یهود مقابل فلسطین را در اینجا ذکر نماییم.

احساسات ناسالم، و تعصب، در اثر تکامل تدریجی سطح دانش و ارتقاء سویه تعلیمی و پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی کشور های جهان بطوراکثر قابل ملاحظه کاهش یافته است، ولی هنوز هم حتی در بعضی ممالک پیشرفته جهان بشکل پوشیده و غیر مستقیم موجود است. ولی این مشکل را جوامع پیشرفته درک نموده و سعی بلیغ دارند که در اثر تبلیغات و روشن ساختن ذهنیت مردم این نقیضه اجتماعی را تقلیل دهند. در ادیان و مذاهب نیز روش تبعیضی به حیث یک عمل زشت و غیر انسانی مذمت شده است و بخصوص دین مبین اسلام تبعیض، و تعصب را منع نموده و همیشه الله جل جلاله، در قرآن کریم مسلمان ها را به برادری و صمیمیت، دعوت

نموده و فرموده است: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (قرآن کریم: حجرات، 10)

ترجمه: فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس داشته باشید، تا به شما رحم شود.

توضیحات: الله جل جلاله مؤمنان را برادر یک دیگر قرار داده، به برادر سزاوار نیست که همراه برادر خود ظلم و تعصب نماید.

جنگ و برادر کشی در افغانستان که عامل عمده آن تعصبات قومی، مذهبی، سیاسی بود و در اثر آن تعداد زیاد مردم بیگناه، به وضع فجیع جان خود را از دست دادند، بنابراین برای ما لازم است، که اسباب و عوامل تعصب را جستجو نموده، و به ملت ستم دیده کشور عرضه گردد تا اینک مکرر به چالش، مواجه نشوند.

3: شناخت تعصب مذموم:

هدف از تعصب مذموم این نیست که: اسلام همه انواع روابط مادی و انسانی را نفی کرده و آنرا بکلی تحریم نموده باشد و یا حقوق قرابت و خیشاوندی را نادیده گرفته برای قوم و اقارب - در سطح توانایی و از مال شخصی خود توجهی نداشته باشد. بلکه اسلام به صلح رحم و حقوق خیشاوندان تاکید نموده و قطع آنرا از بزرگترین گناه میدانند، در صدقات و سایر نیکی و مساعدتها، خیشاوندان نزدیک را نسبت به دیگران مستحق قرار داده و آنهارا بر دیگران ترجیح میدهد. تعصب و ملت گرایی که از دید اسلام، مذموم و از کارهای جاهلیت شمرده شده، صورتهای ذیل را در بر میگیرد:

1: حمایت از قوم خود در حق و باطل و خاطر آن کشتار، بعضی و دشمنی پرداختن.

2- دعوت بر ملیت گرایی که تشکیل حزب و سازمانها بر اساس ملیت از لوازم چنین دعوت هاست که پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا از کارهای جاهلیت شمرده مرگ آنرا مرگ جاهلیت قرار داده است: و چنین فرموده:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ، وَقَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيَّةٍ يَغْضَبُ لِعَصْبَةٍ، أَوْ يَدْعُو إِلَى عَصْبَةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصْبَةً، فَقَاتَلَ، فَقَاتَلَ جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ خَرَجَ عَلَيَّ أُمَّتِي، يَضْرِبُ بَرِّهَا وَقَارِقَهَا، وَلَا يَتَخَاشَى مِنْ مُؤْمِنِيهَا، وَلَا يَفِي لِذِي عَهْدٍ عَهْدَهُ، فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ» (صحیح المسلم بت ج: 3 ص: 1476 ح: 1848.)

ترجمه: از ابو هریره (روایت است که رسول الله (فرموده اند: کسیکه از طاعت امیر بیرون و از جماعت مسلمانان جدا شد و درین حالت مرد، او به مرگ جاهلیت مرده است و کسیکه تحت بیرق کورکورانه تعصبات قومی جنگ کرده و بخاطر تعصب قومی غضب شد و دیگران را به سوی تعصب قومی دعوت کرد و یا از عصبیت پشتیبانی کرد و درین راه کشته شد، او در راه جاهلیت کشته شده است و کسیکه بر امت من بغاوت کرده و نیک و بد آنرا زد و از زدن و کشتن مؤمن آن هیچ پروا نداشت و با صاحب عهد و پیمانی به عهد و پیماناش وفا نکرد، او از من نیست و من از او نیستم " از این حدیث استفاده می شود، اشخاصیکه به

خاطر حمايت از قوم خودجبه ساخته و در برابر اقوام و مليت های ديگر می جنگند و ياباشعارهای قومی حزبی تشکيل داده و به اين مفکوره جاهليت خود ادامه داده و برآن بميرد، بامرگ جاهلتي دنيا را وداع گفته اند.

4: حکم تعصب :

تعصب یک عمل غير اسلامي است، که رسول الله صلی الله عليه وسلم از آن منع فرموده ، کسانی که خود را مسلمان می دانند توقع ميرود که آنها به تمام احکام دين اسلام عمل نمایند؛ چون عمل کردن به پاره ای از احکام و ترک نمودن و انکار کردن از احکام ديگر صفتی از صفات يهود است. حالت يهوديانرا ، الله متعال برای ما بيان می کند: که ایشان به قسمتی از کتاب شان ايمان داشتند و قسمتی ديگر از کتاب شان را انکار می کردند، به اين معنی که به قسمتی ديگر عمل نمی نمودند. و الله متعال ما را از عمل شوم يهوديان هشدار داده بلکه کسانی که متصف به صفات شان هستند آنها را نيز سزاوار شرمندگی و رسوایی در دنيا دانسته، و عذاب بزرگی که آتش جهنم است در قيامت براي شان در نظر گرفته است.

خداوند متعال می فرماید: (أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ). (قرآن کریم: بقره، 85)

ترجمه: آيا به بخشي از دستورات کتاب آسماني ايمان ميآوريد و به بخش ديگر آن کفر ميورزيد؟ براي کسيکه از شما چنين کند، جز خواری و رسوائي در اين جهان نيست، و در روز رستاخيز به سختترين عذاب برگشت داده ميشوند، و خداوند از آنچه ميکنيد بيخبر نيست؟

همانطوریکه همه ی ما و شما می دانيم، اسلام دين کامل، شامل، جامع و در برگیرنده همه ابعاد زندگي انسانها است؛

پس نمی شود که به یک جزء از دين عمل شود و جزء ديگر ترک شود بلکه عمل به همه ی اجزاء دين بريك مسلمان واقعي ضروري است. يکي از عواملی که روابط انسانهای مسلمان را تيره می سازد همانا تعصبات نژادی، زبانی، قومی و قبيله ای

است. وقتیکه به آیات پاک قرآن کریم و احاديث گوهر بار رسول الله صلی الله عليه وسلم مراجعه می کنیم، می بينيم که همواره مسلمانها را به محبت با يکديگر و برادری و اخوت، اتفاق، اتحاد، همبستگی و يکپارچگی دعوت می کند.

چنانچه الله جل جلاله می فرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) (قرآن کریم: حجرات، 10)

ترجمه: بتحقيق مسلمانان، برادر يک ديگ اند، و در بين برادران خود اصلاح

نماييد، تا اينکه بشما رحم شود و نيز الله جل جلاله فرموده (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (قرآن

کریم: حجرات، 13)

ترجمه: ای مردمان! ما شما را از مرد و زني (به نام آدم و حواء) آفریده ایم، و شما را تيره تيره و قبيله قبيله نموده ایم تا هم ديگر را بشناسيد،

بيگمان گرامي ترين شما در نزد خدا متقي ترين شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر است (از کردار و گفتار شما، و از حال همه کس و همه

چيز) پس هيچ رنگي و هيچ جنسي نزد الله (برتر و صاحب فضيلت نمی باشد. بلکه معيار برتری و فضيلت در دين الله تقوا و ايمان است. و مقرب ترين انسانها، همانست که ايمان قوی، اسلام بهتر، و عمل نيك داشته باشد، و لو که برده حبشي سياه پوستي باشد.

از اين آيه به صراحت واضح می گردد، که برتری تنها و تنها در پرهيزگاری است نه در قوم، رنگ، نژاد.

و نيز پيامبر اسلام، محمد (صلي الله عليه وسلم) فرموده است: عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ خُطْبَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي وَسْطِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَأَفْضَلُ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا أَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدٍ، وَلَا أَسْوَدٌ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالْتَّقْوَى أُبْلِغَتْ»، قَالُوا: بَلِّغْ رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَيُّ يَوْمٍ هَذَا؟»، قَالُوا: يَوْمٌ حَرَامٌ، ثُمَّ قَالَ: «أَيُّ شَهْرٍ هَذَا؟»، قَالُوا: شَهْرٌ حَرَامٌ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: «أَيُّ بَلَدٍ هَذَا؟»، قَالُوا بَلَدٌ حَرَامٌ، قَالَ: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ بَيْنَكُمْ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ» - قَالَ: وَلَا أُذْرِي قَالَ: أَوْ أُعْرَضُكُمْ، أَمْ لَا - كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا أُبْلِغْتُ"، قَالُوا: بَلِّغْ رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ: «لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ» (مسند احمد بن حنبل 1421 هـ، ج 5 ص 411 ح 23536 شعيب الأرنؤوط جكم بر صحت اسناد اين حديث نموده)

ترجمه: ابی نضره فرمود حديث بيان کرد بامن کسی که خطبه رسول الله را در وسط روز تشریق شنیده و رسول الله صلی الله عليه وسلم فرمود ای مردم آگاه باشيد که پروردگار شما يگانه است، و پدر شما يکی است، آگاه باشيد که عربی بر عجمی و عجمی بر عربی، سرخ پوست، بر سياه پوست، سياه پوست بر سرخ پوست، برتری ندارد، نيست برتری مگر به تقوی، آيا پيام الله را به شما رساندم صحابه کرام عرض کردند: بلی، ای رسول الله، سپس پيامبر فرمود: اين کدام روز است؟

صحا به فرمودند: روز حرام، فرمود اين کدام ماه است؟ گفتند ماه حرام،

بعدا فرمود: به تحقيق الله متعال خون و مال شما را در بين تان حرام

قرار داده، مانند حرمت اين روز شما، در ماه شما، در شهر شما، آيا پيغام الله را برای تان رساندم؟ آنها فرمودند: بلی (پيامبر الله پيغام شان را رساندند)، سپس فرمود: شاهد به غائب برساند.

به وضاحت تبیین می شود که بهتری و برتری در آنچه که ما می خواهيم نيست، بلکه برتری در چيزی است که الله متعال

برای ما مشخص کرده که همانا تقوی و پرهيزگاری است. پس معلوم می شود که برتری اشخاص بر اساس قوم، قبيله، زبان،

مليت و شهرت نيست بلکه برتری فقط و فقط در تقوا است

5: عوامل تعصب :

الف: محيط فاميل:

هر طفل از بطن مادر با فطرت سالم دنيا می آيد،

حديث رسول الله صلی الله عليه وسلم در اين مورد چنين است: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ وَيُنَصِّرَانِهِ وَيُمَجِّسَانِهِ" (صحيح ابن حبان، 1408هـ ق ج: 1ص: 336)

ترجمه: ابي هريره از پيامبر صلى الله عليه وسلم روايت کرده او فرموده: هر کودکي بر فطرت سالم دنيا مي آيد اين پدر و مادرا و هستند که او را به دين يهودي يا نصراني يا مجوسي بر مي گردانند.

توضيحات: هنگامی که طفل معصوم در چنین محیط ناسالم بزرگ می شود، طبیعی است، هر آنچه شنیده و دیده است، در ذهن و اندیشه و قلب پاکش نقش ببندد، چون کودک در سنين کودکی بیشتر اثر می پذیرد، نيروي تأثير پذيري اش قوي تر است.

پس شايسته است که در اين «راز نبوي و حکمت مصطفوي» دقت و تدبر کنیم و با هوشیاري و زیرکی و با قلب زنده و چشمان بينا بينديشيم و ببينيم که پيامبر بزرگوارمان صلي الله عليه و آله و سلم از فرمایش اين ارشاد حکيمانه شان چه ميخواهند؟

مطلب روشن است بشرطیکه کسی بخواهد درک کند و بفهمد، و آن اینکه کودک اولين چیزهایی که در زندگی می آموزد حرکات کسی است که او را تربيت می کند، و اولين چیزهایی که جزء اخلاق و رفتار او قرار می گیرد اخلاق پدر و مادر است،

که به مرور زمان حرف زدن و بپاروان شدن و طرز لباس پوشیدن را از والدين و اعضای فاميل میاموزد، پس طفل نوزاد پشتون، و تاجک، و هزاره و اوزبیک در آوان تولد همه یکسان است، اين کودکان نوزاد در اثر پرورش فاميل نشو نما میکند و اگر به فاميل پشتون دنيا آمده به زبان پشتو و اگر در فاميل اوزبک به زبان اوزبکی و در فاميل هزاره به زبان محلی پدر و مادرش صحبت میکند، و همچنان عادات و رسم و رواج فاميل را می آموزد، و یا بهتر بگوئيم کسب میکند. صفاتی که فاميل و اعضای خا نواده دارد عین ارزش ها را طفل نیز اخذ میکند و برای وی تمیز آن نیست که صفات متذکره مثبت است و یا منفی، البته روش های که فاميل در پیش دارد، برای هر طفل تأثیر مهم در انکشاف فکری وی دارد، اگر فاميل طفل روش تبعیضی و تفوق طلبی قوم و یا تعصب مذهبی و زبانی دارد و آنرا به طفل خویش از آوان طفولیت تزریق میکند که این احساس نادرست در خاطره طفل باقی می ماند. چیزیکه خا نواده را از تعصب جلوگیری می کند آموختن علم و تربیه سالم است زیرا که اسلام از بعضی عداوت، تعصب منع می نماید چنانچه الله جل جلاله فرموده: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (1: فتح، 29)، ترجمه: محمد صلي الله عليه وسلم پيامبر خدا است و آنانیکه با وي اند بر کفار سخت گیران اند و در میان شان مهربان. اند.

و نیز رسول الله صلي الله عليه وسلم فرموده: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا تَبَاغُضُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَكُونُوا عِبَادًا لِلّٰهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَجُلُ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ» (صحيح ابن حبان 1408هـ ق، ج: 12 ص: 476).

ترجمه: از انس رضي الله عنه روايت است که: پيامبر صلي الله عليه وسلم فرموده با

همديگر دشمني و حسد و قطع رابطه ننموده و پشت نکنيد. اي بندگان خدا با هم برادر باشيد و براي هيچ مسلماني روا نيست که بيش از سه روز برادرش را ترک کند. از حديث فوق معلوم ميشود که اصلاح خانواده به علم و عمل صورت ميگيرد چنانچه امام م مالک گفته: (العلم نور يجعله الله حيث يشاء). علم نورا است، و می نهد آنرا در مکانی که الله بخواهد. از قول امام مالک چنین معلوم ميشود که انسان بدون علم به راه را (ست رسیده نمی تواند

ب: جهل و تقلید کورکورانه :

جهل از جمله یکی از اسباب تعصب است، انسان دانا تعصب نمی ورزد زیرا که پيامبر صلي الله عليه وسلم از تعصب منع کرد ده. حديث رسول الله در اين مورد چنین است: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا يَقُولُ كُنَّا فِي غَزَاةٍ فَكَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ يَا لِلْمُهَاجِرِينَ وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ يَا لِلْمُهَاجِرِينَ فَسَمَعَهَا اللّٰهُ رَسُولُهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا هَذَا فَقَالُوا كَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ يَا لِلْمُهَاجِرِينَ وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ يَا لِلْمُهَاجِرِينَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَعُومًا فَإِنَّهَا مُنْتَبَهَةٌ (صحيح البخاری، ج: 4 ص: 1863 ح: 4624).

ترجمه: جابر بن عبد الله فرمود: که مادر یکی از غزوات بودیم، که یک نفر مهاجر جر شخص انصار را لت کوب کرد، انصاری آواز کرد که ای گروه انصار بیا تید! و مهاجر آواز کرد، که ای گروه مهاجر! بیا تید؟

و این آواز را رسول الله صلي الله عليه وسلم شنید و فرمود: چه قضیه است؟

صحابه فرموده اند: که یک شخص مهاجر، یک شخص انصار را لت و کوب کرده است.

مهاجر و انصار، هریک برای معاونت خود قومه های خود را طلب نموده اند.

رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: ندهای عصبیت را بگذارید که نهایت بد بوه است.

عده ای، تنها آیین گذشتگان خود را مبنای اعتقادات خویش قرار داده، با وجودی که این آیین ها و عقاید از واقعیت و حقیقت دور هستند، همچنان بدون استدلال و برهان واقعی، بر باور های خویش پا فشاری می نمایند، این عده در تاریخ همیشه، سد راه انبیا بوده اند و قرآن ضمن مذمت نمودن تقلید بی منطق آنان از پیشینیان کج فهم خویش، ایشان را مکرراً نکوهش می نمایند، چنانچه الله جل جلا له فرمود: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءُنَا أَوْلُو كَانِ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ) (1: لقمان، 21)

ترجمه: هنگامی که بر آنها گفته می شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می گویند: بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافته ایم. آیا (از نیاکان خود پیروی می کنند) ولو این که شیطان ایشان را به عذاب فروزان (دوزخ) فرا خواند.

و نیز قرآن دستور می دهد از چیزی که علم ندارید پیروی نکنید (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) (قرآن کریم: اسراء، 36).

ترجمه: و از باورها، رفتارها و گفتارهایی که بدان ها علم نداری پیروی مکن، زیرا گوش، چشم و دل (قوة دراکه) همگی (در قیامت) مورد سؤال قرار می گیرند.

اصولاً یکی از مشکلات پیامبران الهی در گفتگو با مردم و رساندن پیام الهی به آنان، پیروی اکثر مردم، از خرافات، ظن، و گمان های ناصحیح شان بوده است.

از آثار فوق الذکر معلوم می شود که یکی از اسباب تعصب تقلید کور کورانه و جهل است. شخصی که علم و عمل داشته باشد تعصب نمی ورزد و او به مقتضای علم عمل می نماید.

ج: پیروی از هوای نفس و تمایلات شیطانی:

یکی از عوامل مهم تعصب و عدم پذیرش سخن حق، پیروی از هوای نفس است. زیرا آن کس که به دنبال تمایلات شخصی و هواپرستی خویش، در پی تاملین مال، جاه، شهوت باشد از توجه و دستیابی به حقیقت باز می ماند، قطعاً گفتگو با این عده بی فایده است، زیرا به گفته قرآن اکثر آنها بنده هوای نفسانی خود هستند.

اللّٰهُ جَل جَلالُهُ چنين فرموده (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ) (قرآن کریم: الجاثیه 23)

ترجمه: آیا دیده ای کسی را که هوا و هوس خود را به خدائی خود گرفته است، با وجود آگاهی (از حق و باطل، آرزو پرستی کرده است) خدا او را گمراه ساخته است، و بر گوش و دل او مهر گذاشته است و بر چشمش پرده ای انداخته است؟! پس چه کسی جز خدا می تواند او را راهنمایی کند؟ آیا پند نمی گیرید و بیدار نمی شوید؟

ملاحظه می کنید که سلب حس تشخیص و از کار افتادن ابزار شناخت در آدمی در این آیت و در آیات دیگر معلول عللی شمرده شده است، کفر، تکبر، ستم، پیروی هوسهای سرکش لجاجت و سرسختی در برابر حق، در واقع این حالت عکس العمل و بازتاب اعمال خود انسان است نه چیز دیگر. اصولاً این يك امر طبیعی است که اگر انسان به کار خلاف و غلطی ادامه دهد تدریجاً با آن انس می گیرد، نخست يك "حالت" است، بعداً يك "عادت" می شود، سپس مبدل به يك "ملکه" می گردد و جزء بافت جان انسان می شود، گاه کارش به جایی می رسد که باز گشت بر او ممکن نیست

و عکس این مطلب نیز در قوانین آفرینش کاملاً مشهود است، یعنی کسی که پاکی و تقوا، درستی و راستی را پیشه کند، خداوند حس تشخیص او را قویتر میسازد و درک و دید در روشن بینی خاصی به او می بخشد، چنان چه در سوره انفال می خوانیم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) (قرآن کریم: الانفال، 29)

ترجمه: ای مؤمنان! اگر از خدا (بترسید و از مخالفت فرمان او) بپرهیزید، خدا بینش ویژه ای به شما می دهد که در پرتو آن حق را از باطل می شناسید، و گناهانتان را می زداید و شما را می آمرزد، چرا که الله دارای فضل و بخشش فراوان است.

این حقیقت را در زندگی روزمره خود نیز

آزموده ایم، افرادی هستند که عمل خلافی را شروع می کنند، در آغاز خودشان معترفند که صد در صد خلافکار و گنهکارند، و به همین دلیل از کار خود ناراحتند، ولی کم کم که با آن انس گرفتند این ناراحتی از بین می رود، و در مراحل بالاتر گاهی کارشان به جایی می رسد که نه تنها ناراحت نیستند بلکه خوشحالند و آن را وظیفه انسانی و یا وظیفه دینی خود می شمرند!

د: عناد و ستیزه جویی:

از نظر قرآن کریم، گروهی که به خاطر خباثت روحی در مقابل کلام حق، مجادله و ستیزه جویی می کنند. این عده با وجود مشاهده ادله و براهین روشن، به انکار و تعصب، روی آورده و حقیقت را انکار می نمایند. چنین اشخاصی هیچ گاه به حقیقت و هدایت نمی گروند. آنان هنگام تبادل نظرها، در پی این نیستند که سخن طرف مقابل را درک کنند بلکه از همان ابتدا در پی آن هستند که به هر ترفند با مطالب و دیدگاه های طرف مقابل مقابله کرده و آنها را رد کنند. در این حالت گفتگو بی حاصل و بی نتیجه است. قرآن در اینگونه موارد، توصیه می کند که به بهترین شیوه با مجادله گر به محاجه و مناظره برخیزید.

چنانچه الله جل جلاله فرموده: (كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٍ مِنْ بَعْدِهِمْ وَأَلْحَزَابٌ وَهُمْ كُلٌّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ) (قرآن کریم: غافر، 5)

ترجمه: پیش از اینان (که مشرکان معاصرند) قوم نوح و دسته ها و گروههایی (همچون عاد و ثمود و لوط) که بعد از ایشان بوده اند (پیغمبران خدا را) تکذیب کرده اند و همه ملتها خواسته اند که با (زر و زور و تزویر) در حق پیغمبر خود توطئه کنند تا او را بگیرند و (بکشند). گذشته از این با دلائل و براهین فرستادگان خدا (به ناحق جدال و نزاع ورزیده اند، تا به وسیله باطل حق را نابود و برطرف کنند. ولی من ایشان را (به عذاب دنیوی) گرفتار ساخته ام. آیا عقاب (و عذاب دنیوی) من نسبت بدیشان چگونه است؟ (ویرانه های شهرهایشان در مسیر مسافرتها شما به چشم می خورد، و سرنوشت شوم و عاقبت سیاه و تاریک ایشان بر صفحات تاریخ و در سینه های صاحبان ثبت است، بنگرید و عبرت بگیرید)

ه: تفکر انحصار طلبی:

دیگر عواملی که زمینه تعصبات را در آدمی فراهم می آورد و او را به رفتارهای زشت و ناپسند و بی عدالتی سوق می دهد، تفکر انحصار طلبی است. افرادی بر این باورند که آنان تنها می توانند به درجاتی از علم و دانش و یا مقامات انسانی دست یابند. و این توان و ظرفیت از عهده دیگران خارج است.

هرکسی که گمان می کند حق را یافته و تنها اوست که از این ظرفیت برخوردار است و یا این حقیقت تنها در اندیشه اوست، گرفتار تعصب می شود، و دیگر بر حقایق گوش نمیدهد و حاضر به تغییر بینش خویش نمی شود.

قرآن با اشاره به تفکر انحصار طلبی یهودیان و مسیحیان که حق را تنها از آن خود می دانستند به آنان هشدار می دهد که همین تفکر نادرست موجب شده

است که تعصب بیجا ورزند و حاضر به شنیدن و پذیرش آیات قرآن، و اسلام نگردند .
چنانچه الله جل جلا له فرموده : (وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (قرآن کریم: بقره، 135)

ترجمه: گفتند اهل کتاب: یهودی یا نصرانی شوید تا به راه راست رهنمود شوید. بگو: ما از دین ابراهیم (علیه السلام) پیروی می کنیم درحالیکه ابراهیم (علیه السلام) ما ثل بود از ادیان باطل بدین حق و ابراهیم از جمله مشرکان نبوده است .
بناء سلطه گری و کسب منافع مادی دنیوی و اشرافیت نیز از عوامل ایجاد تعصب در انسان است. کسانی که می کوشند تا بر دیگری تسلط یابند و از آنان برای منافع دنیوی خویش سود برند خود را انسان های برتری می دانند

وتفکر اشرافیت و برتری نژادی و قومی، عامل

اساسی تعصبات در میان مردم است.
و: مداخلات بی مودخارجیهادر امور کشور:
خارجیهاز مینه سازقوی برای وجود إختلافات در دا خل کشور استند .
که بسبب آن أفغانها ضعیف می شوند ، دشمنان اسلام به آسانی به آرزوهای خود میرسند .
الله جل جلاله مسلمانها را از اختلاف منع نموده و فرموده: (وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ) (قرآن کریم: انفال، 46)
ترجمه:

و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمایند و (در میان خود اختلاف و) کشمکش مکنید ، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود) . شکیبایی کنید که خدا با شکیبایان است .
سیاست های شیطانی امریکا در قبال افغانستان قرارذیل است :

الف : امریکا در جریان جنگ سرد بطور غیر مستقیم تمویل کننده مصارف نظامی جهاد افغانستان در عقب پرده به سطح جهانی محسوب میشود ، و همچنان امریکا کمک های اقتصادی اش راتحت پوشش کمک های بشر دوستانه در خدمت مهاجرین ومجاهدین افغانستان وقتا فوقتا قرار میداد ، ولی در این کار خود اهداف آتی الذکر را دارا بود .

1. باید از طریق جهاد مردم افغانستان انتقام جنگ ویتنام از روسها گرفته شود .
2. - تکتیک نظامی و سلاح های مختلف روسها باید افشا گردد .
3. - روسها بعد از جنگهای طولانی به رکود اقتصادی مواجه شوند .
4. - بعد از شکست روسها این گرو ها بخاطر بدست گرفتن قدرت برای سالهای متممادی با همدیگر در گیر شوند ، تا از این طریق از یک طرف سلاح و مهمات موجود نزد شان از بین رود و از طریق دیگر از طاقت و نیروی تنظیم های جهادی و محبوبیت شان در جامعه کاسته شود .

5. درواقعیت امر، جنگهای داخلی افغانستان محصول هم آهنگی کامل روس و امریکا بودودر ان جنگها روسها منحیت بازنده روی پرده ،

امریکائی ها منحیت برنده پشت پرده ، با دا دن امتیاز به یکدیگر به گونه ای متحد شده بودند ، که تا هنوز هم سلسله هم آهنگی شان در افغانستان همچنان ادامه دارد، درحال حاضر هواداران روس و امریکا در یک حکومت واحد شریک و سهیم اند .

و از عمل کرد خارجی ها چنین معلوم میشود انها میخواستند سلاحهاییکه در دوره جهاد مجاهدین از روسها به طور غنیمت بدست آورده بودند آنها را نابود ساخته باشند تا اینکه در برابر امریکائیها مجال و قوت نباشد که آنها در برابر شان استاد شوند ومقاومت نکنند .

فعلا نیز جنگهای داخلی که در بین حکومت فعلی و در بین طالبان جریان دارد ، همه این جنگها را امریکا وخارجیها ایجاد کرده اند آنها میدانند ، کسانیکه در اردو ایفای وظیفه می نمایند یا اینکه خودشان مجاهد اند و یا اینکه پدر و برادرشان مجاهد ، هیچ وقت امریکا را نمی خواهند ، بناء آنها کوشش دارند که حکومت فعلی افغانستان یک اردوی قوی نداشته باشد و نیز درگیری که در بین طالبان و اردو ادامه دارد هر دو طرف که به قتل می رسند به نفع امریکا است ، زیرا که هر دو جانب افغانها به قتل می رسند که امریکا با داشتن سیاستهای شیطانی اش در افغانستان میخواهد تا از یک طرف منابع طبیعی افغانستان و آسیای میانه را تصاحب شود .

از طرف دیگر میخواهد که برای همیشه در افغانستان باقی بماند تا از موقعیت سوق الجیثی افغانستان علیه حریف های نظامی خود در آینده استفاده کرده بتواند .

جنگهای فعلی امریکا در افغانستان و عراق نشان میدهد که امریکا قصد امپراطوری را دارد ، اگر در جنگهای افغانستان و عراق برنده شود ، شاید در آنصورت دیگر کشورها را مانند پاکستان و ایران بالنوبه در دام امریکا سقوط نماید .

به امید شکست امریکا از خداوند متعال استدعا می نمایم که امریکا را مانند روسها شکست کامل نصیب بگرداند ، تا اینکه مسلمانهای مظلوم تمام کشورها از شر آنها نجات یابند و جای آن حکومت اسلامی مستقل و آزاد بگیرد

6:تائیرات تعصبات خارجیها در برابرملت افغانستان :

کفار علی العموم امریکا ، روس، انگلیس بالخصوص تحمل یک حکومت اسلامی را ندارند میخواهند که تمام کشور های اسلامی رازیرتسلط خود داخل نمایند، برنامهای شوم خود را بالای ملت مسلمه عملی نماید، اما متأسفانه که مسلمانها هنوز آنها را دوست واقعی خود می پندارند حالانکه الله مسلمانها را بیدارمیسازد وفرموده: (هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُجِبُونَهُمْ وَلَا يُجِيبُونَكُمْ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُوا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (قرآن کریم: آل عمران، 119)

ترجمه :

هان ! (ای مؤمنان !) این شمائید که آنان را (به خاطر قرابت یا صداقت یا مودت) دوست می دارید ، و ایشان شما را (به خاطر

تعبص دینی خود) دوست نمی دارند، و شما به همه کتابهای (آسمانی) ایمان دارید (اما آنان به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند) (وقتی که با شما برخورد می کنند (برای گول زدن تان، به دروغ) می گویند: ایمان آورده ایم. اما هنگامی که تنها می شوید، از شدت خشم بر شما، سرانگشتان خود را به دندان می گزند، بگو: با (درد همین) خشمی که دارید، بمیرید، بیگمان خداوند از آنچه در درون سینه ها می گذرد آگاه است.

بناء پس از وقوع حادثه (11 سپتمبر سال 2001 م در مرکز تجاری جهان، واقع در نیویارک و مقر وزارت دفاع امریکا در واشنگتن، بالاخره غرور و یکه تازی امریکا واژگون شد، در نتیجه سیاست مداران امریکا بفکر آن شدند تا چطور غرور، و یکه تازی از دست رفته شانرا دوباره اعاده نمایند، لهذا بفکر لشکر کشی و مانور های نظامی خود در بحیره های دور و اطراف افغانستان شدند.

مانور های نظامی امریکا، در بحر هند و خلیج فارس به پایان رسید امریکا و متحدینش حملات هوایی و راکت باران شانرا بر ملت مظلوم و مجاهد افغانستان شب و روز ادامه دادند. این حملات امریکا بالای افغانستان به این علت بود تا از یک طرف تکنالوژی و نیروی نظامی خود را به جهان نمایش دهند از طرف دیگر به اهداف شان که تشکیل حکومت سکولرستی در افغانستان می باشد نایل شوند.

امریکا با سیاستهای دوگانه اش در قبال افغانستان همیشه کوشیده تا نیرو های جهادی را در نتیجه اختلافات ذات البینی و گروهی شان ضعیف و نابود سازد، چنانچه وقوع جنگهای داخلی افغانستان، که از سال (1371 هـ ش) بدینسو جریان دارد.

توسط دالر امریکا و سیاست منطوقی آن سرمایه گذاری شده امریکا با سیاست دوگانه در قبال افغانستان همیشه کوشیده تا زمینه برای تسلط کامل غرب مساعد گردد، چنانچه حملات اخیر آنها به بهانه تروریزم بین المللی از مداخله قبلی امریکا در امور افغانستان محسوب میشود.

امریکا میخواهد که او لا حکومت دلخواه او مسلط شود.

ثانیا آرزو دارد که قوت های خارجی و هواداران منافع استراتژیکی امریکا در منطقه تحت پوشش قوای حافظ صلح بین المللی در کابل و سائر ولایات این کشور متمرکز گردد. طوریکه همه میدانیم در گذشته روسها به قصد رسیدن به آبهای گرم (بحر هند) و استخراج معادن کشورما، به افغانستان آمده بودند، ولی این بار امریکائی هابه قصد استخراج معادن افغانستان و ختم سلطه غیر مستقیم روسها بر کشور های آسیای میانه وارد افغانستان گردیدند، یک سوال در ذهن خطور می کند چرا هر ابر قدرت می خواهد که بر افغانستان تسلط نماید بنا بر چی علت؟ جواب چنین است:

۱- افغانستان بهترین موقعیت سوق الجیشی و استراتژیکی را در جهان دارد.
۲- تسلط به این کشور تمام ممالک همجوار آنرا به آسانی تهدید می نماید.
در حال حاضر طوریکه مشاهده میشود، امریکا اولاً طالبان را شکار توطئه خود قرار داد،

ولی در قدم بعدی، آن عده از عناصر جهادی که اقدام بر معاونت امریکا نموده اند، آنها آگاه باشند که امریکا نه دوستداران طالبان است و نه دوستداران مجاهدین بلکه امریکا آرزو دارد که هر یک از مجاهدین و طالبان و احزاب سیاسی باهم در گیر شوند، تا اینکه آنها نهایت ضعیف شوند و مجال برای ایشان باقی نماند که از وطن و از ناموس دفاع نمایند.

بهرتر آنست که اختلافات گروهی کنار گذاشته شود به حیث یک مسلمان هدف مند و وطن دوست در یک صف واحد قرار گرفته به آسانی حملات و دسائس امریکا دفع شود.

چنانچه الله جل جلاله مومنین را از اختلاف منع نموده و فرموده: وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (قرآن کریم: انفال 46)

ترجمه: و از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید و (در میان خود اختلاف و) کشمکش نکنید، (که اگر کشمکش کنید) درمانده و ناتوان می شوید و شکوه و هیبت شما از میان می رود (و ترس و هراسی از شما نمی شود) . شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است.

7:تائیرات ناگوار تعصبات داخلی بر افغانستان:

الف:تائیرات تعصبات نژادی در افغانستان: تهاجمی که امروز ما به آن روبرو هستیم، قلب، ذات، فرهنگ ما را نشانه قرار داده است تهاجم نژادی است.

خارجی ها (یهود نصارا کشور های همجوار) میخواهند که به سبب رو کار کردن تعصبات قومی، نژادی بالای مردم افغانستان حکومت بکنند چون اگر مردم افغانستان به تعصبات نژادی و قومی اقدام نکنند، اختلافات در بین مردم افغانستان موجود نباشد چگونه می توانند دشمنان افغانستان بالای مردم افغانستان حکومت بنمایند. (کرزی نا خوانده امضا می کند ص 102)

ما باید بدانیم که دشمنان اصلی زبان فارسی، پشتو و دیگر زبانهای مروجه از داخل کشور نیستند.

دشمنان تاریخی آن، کسانی اند که از آنسوی قاره ها آمده اند، لیکن در داخل مرز های کشور ما، نیز کسانی اند که با ملت پشتون و فارسی زبان دشمنی می ورزند که زمینه اشغال افغانستان را فرا هم ساختند آنها تنها دشمنان یک نژاد نیستند بلکه آنها دشمنان همه ملت افغانستانند پس امروز چه کسانی اند که فرزندان پشتون را در هلمند می کشند و نیز چه کسی است که قبائل پشتون را در برابر بقیه اقوام قرار داده اند و هر روز برای شان دشمن می تراشند.

کی ها اند قبائل پشتون را در ولایت هلمند و قندهار در جان هم افکنده و یک روز آن قبيله را با شمشیر این قبيله می کوبند این پرسشهایی است که پاسخ آنرا به ملت افغانستان و امید داریم مردم افغانستان بنا بر تحمیل خارجی ها، به چیز هایی دامن می زنند که جز زبان آور هیچ مفید نیست. مانده واژه (محصل) و دانش آموز (پوهنتون) و دانشگاه اگر مردم افغانستان واقعا وطن دوست و ملت دوست باشند به این چیز ها اعتنا نه نمایند زیرا که این چیز ها است

که افغانستان را به بی اتفافی و بحران کشانده است. در حالیکه اختلاف زبانها به خاطر معرفت است نه بخاطر تعصبات چنانچه الله جل جلاله فرموده: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (قرآن کریم: حجرات 13)

ترجمه: ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید (وهرکسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه کس و همه چیز) است.

توضیحات: (شعوباً) جمع شعب تیره ها و ملت ها جمع عظیمی از مردم که دارای اصل واحدی بوده و قبیله ها از آن منشعب میگردد. (لتعارفوا) تا یکدیگر را بشناسید و از هم جدا کنید اشاره به این است که تفاوت های بیرونی و درونی انسانها سبب شناسایی آنان است و اگر همه یکسان و شبیه همدیگر باشند زنده گی اجتماعی مردمان مختل و ناممکن میگردد بناءً اختلاف زبان بخاطر معرفت یک دیگر است نه بخاطر اختلاف نژادی.

ب: تأثیرات ناگوار تعصبات سیاسی بر افغانستان:
1: تأثیر منفی تعصبات رژیم کمونستی:
در هفت ثور سال 1357 کودتاه خونین، از طرف خلق و پرچم، صورت گرفت، و این روز بی سابق ائی بود، که با گلوله، عوض قلم، جواب صورت میگرفت. روزیکه مداخله خارجیها، و داخلیها، دست بکار شد، و جوهای خون ملت مظلوم افغانستان به نامهای مختلف در کشور جاری شد.

و به جهت بدست گرفتن قدرت، به هرگونه خون ریزی اقدام میشود به حال این ملت مظلوم هیچ گونه ترحم صورت نمیگرفت و آن روزی بود که کمونستها، با تانک و تفنگ حرف میزدند، تعصب و خودخواهی باعث از بین رفتن علم و فرهنگ و دیگر ساختار اجتماعی گردید. و در طول زمان با تحمل رنج و مشقت دست آورد های علمی و اجتماعی را با خاک و خون یکسان ساختند، و این 7 هفت ثور روز فاجعه بار بود، و چندین نسل را بکام خود بلعید، و هیچ گام مثبتی بر خود نداشت تا فعلاً اثرات منفی او ادامه دارد.

2: تأثیرات ناگوار تعصبات مجاهدین و طالبان:
بناءً رهبران جهادی و مجاهدین عزیز افغانستان، همه رنجهای بزرگ را در برابر حکومت ظالمانه کمونستها تحمل کردند و روستاها را با قوت و تکنالوژی او به شکست مواجه ساختند ولیکن زمانیکه حکومت کمونستی سرنگون شد رهبران کشور اختلاف کردند و هر یک از رهبران آرزو داشت که رئیس جمهور او شود و تمام قوماندانها ی او چوکی های وزارت را اشغال بکنند و دیگر گروه اسلامی در آن سهم نداشته باشد در حالیکه این عمل کرد خلاف عدالت است، و قتیکه رهبران به اختلاف دامن زدند، کمونستها توانستند که به مقصد اصلی خود برسند و آنها منافقیت شانرا در کار

انداختند، تا به امروز آن کمونستها مجاهدین را به بدنامی کشانند، و قتیکه طالبان قدرت را به بدست گرفتند، آنها همه مشکلات مجاهدین را نادیده گرفتند، اگر طالبان با آنها مصالحه میکردند، افغانستان یک مملکت اسلامی قوی و با ثبات می شد، تعصبات گوناگون، وطن عزیز ما را به چالش سوق داده، جوهای خون به اثر تعصبات سیاسی، نژادی در هر روز در این سرزمین جاری است.

8: نتیجه گیری:

1. تعصب را لغتاً و اصطلاحاً تعریف نمودیم که در لغت: از ماده "عصب" به معنی رگها و پیهایی است که مفاصل را به هم ارتباط میدهد، سپس هر گونه ارتباط و به هم پیوستگی را تعصب و عصبیت نامیده اند، اما معمولاً این لفظ در مفهوم افراطی و مذموم آن به کار میرود.
2. در اصطلاح: سلوک، و رفتار، بر روش، نیاکان است، اگرچه (آن رفتار) ناحق باشد، و ترسک مخالف روش نیاکان است ولو که (آن روش) مخالف نیاکان) حق باشد.
3. تعصب مذموم را معرفی نمودیم.
4. حکم تعصب را بیان نمودیم که: تعصب یک عمل غیر اسلامی است، که رسول الله صای الله علیه وسلم از آن منع فرموده، کسانی که خود را مسلمان می دانند توقع می رود که آنها به تمام احکام دین اسلام عمل نمایند؛ چون عمل کردن به پاره ای از احکام و ترک نمودن و انکار کردن از احکام دیگر صفتی از صفات یهود است
5. عوامل تعصب عبارت اند: جهل و نادانی، پیروی از هوای نفس و تمایلات شیطانی، عناد و ستیزه جویی، یاری جویی از باطل:
6. تأثیرات تعصبات را تحریر نمودیم که اولاً به دو بخش تقسیم نمودیم 1: تعصبات داخلی 2: تعصبات خارجی. با تعصبات داخلی به دو قسم تقسیم نمودیم که تعصبات نژادی و سیاسی می باشد تعصبات در افغانستان در زمانهای مختلف، با اشخاص مختلف، قابل مشاهده میباشد، آیا تعصب در کشور ما ارثی است و یا کسبی؟ بلی ارثی به هیچ صورت شده نمی تواند برای آنکه یک طفل نوزاد از بطن مادر متعصب تولد نمی شود.

پیشنهادها

برای کاهش تعصبات توجه به موارد ذیل می توان مفید باشد.

1. تامین امنیت، زیرا بدون موجودیت امنیت هیچ کاری انجام نمیگیرد.
2. توظیف نمودن علماء در مورد محو عصبیت
3. -حمایت دولت از علماء حقانی که به محو تعصب اقدام جدی می نمایند.
4. -توجه جدی دولت مردان بر مامورین در محو قوم گرایی.
5. -پابندی با شریعت، زیرا که دین اسلام این عمل را 1441 سال قبل حرام و ناجایز قرار داده.
6. -محدودین ستیزی

فهرست منابع:

1. قرآن کریم.
2. بخاری جعفی أبو عبد الله محمد بن إسماعیل . 1422 هـ ق . الجامع المسند

- الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه طبع اول ، تحقيق محمد زهير بن ناصر الناصر ، نو جلدى ، دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت . ج 4
3. جمال الدين ، أبو الفضل، محمد بن مكرم بن علي . 1414 هـ ق . لسان العرب. بيروت- دار صادر.
4. دارمي، ايوحاتم ، محمد بن حبان بن احمد، الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان، موسسه الرساله بيروت، طبع اول 1408.
5. زمخشري ، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد 1407هـ ش ، كشاف ، دار الكتاب العربي - بيروت .
6. سعدى أبو حبيب ، طبع دوم 1408 هـ ق : دار الفكر. دمشق ، قاسموس الفقهى.
7. شيباني أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل . 1421 هـ ق - 2001 م . مسند الإمام أحمد بن حنبل. طبع اول ، تحقيق شعيب الأرنؤوط. مؤسسة الرسالة.
8. صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان ، ب ت عقيدة التوحيد وبيان ما يضادها من الشرك الأكبر والأصغر.
9. قشيري ، نيسابورى ، مسلم بن حجاج ابوالحسن (صحيح المسلم) به تحقيق محمد فواد عبد الباقي ، دار احياء التراث العربى بيروت 5 جلدى ج : 3
10. قيم ، عبد النبى (فرهنگ معاصر عربى-فارسى - تهران :موسسه فرهنگ معاصر، چاپ سوم 1382 هجرى شمسى .
11. مالك بن انس ، الموطأ، تحقيق محمد مصطفى الاعظمى ، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان ، طبع اول 1425، ج : 1
12. نا بليار، عبد الرزاق . 1390هـ ش . افغانستان قر بانگاه سياست . لاهور، پاكستان .